

# مراقبت ابدی، بهای آزادی است

سید جواد طاهایی /

نویسنده کتاب «انقلاب ۵۷ و انکشاف فلسفه تاریخ ایران»



این که آرمان‌گرایی انقلاب اسلامی از سوی رقیبان یا منتقدان به واقعیت‌گریزی و بی‌سرانجامی متهم شده است و این که افکار عمومی، شکاکانه و با دیده تردید به پیامدها و دستاوردهای انقلاب اسلامی می‌نگرد، انتقاد قدیمی و رایجی است. اما به نظرم دیگر قدرت سال‌های اولیه انقلاب را ندارد. اینک بعد از ۴۰ سال، پرسش جدیدی شکل گرفته است که مخالفان باید بدان پاسخ گویند: آرمان‌های انقلابی مگر غیرواقعی و بنابراین مخرب نبوده‌اند، پس چرا به زوال نرفته‌اند؟ حتی آرمان‌گرایان، ظاهراً قوی‌تر هم شده‌اند! مگر این قانون عقل سلیم نیست که هر چیز غیرمطابق با واقع، باید از میان برود؟

باید بدانیم که آرمان‌ها برنامه و طرح نیستند که با واقعیت یافتن یا نیافتن، داوری و قضاوت شوند. آرمان‌ها همچون حقایقی جنینی‌اند که برای تملک آینده پدید می‌آیند. آن‌ها از نیروهای ژرف در حال ظهور خبر می‌دهند و آرمان‌گرایان سربازانی در خدمت جاری شدن این نیرو هستند. هیچ چیز قوی‌تر از ایده‌ای نیست که زمانه‌اش فرارسیده باشد. چرا آرمان‌گرایان سیاست «ایران جدید» از میان نرفته‌اند؟ زیرا آرمان‌هایشان با روح زمانه جدید، دنیای در حال پیدایش در تطابق بود، البته بالقوه. تمام تاریخ جمهوری اسلامی نبرد سخت در تمام عرصه‌ها برای خارج شدن از بالقوگی آرمان‌ها و تجزیه آن‌ها بود. این تاریخ همچنان ادامه دارد.

این که آرمان‌گرایی و آرمان‌گرایان برخلاف همیشه تاریخ و برخلاف همه جای جهان از میان نرفتند و ماندند، دلیل دیگری هم دارد که از طریق این پرسش می‌تواند مطرح شود: به راستی اگر مردم و حتی خود مخالفان، با آرمان‌های انقلاب اسلامی و با

تمام تاریخ  
جمهوری اسلامی  
نبرد سخت در  
تمام عرصه‌ها  
برای خارج شدن  
از بالقوگی آرمان‌ها  
و تجزیه آن‌ها  
بود. این تاریخ  
همچنان ادامه  
دارد.